

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۱۴ سپتمبر ۲۰۲۴

بازبینی اعتراضات ایران [در دومین سالروز اعتراضات "زن، زندگی، آزادی"]

به اختصار و از چند مبحث می‌شود و خواهی دو سال پیش دختران و زنان [زیر شعار "زن، زندگی، آزادی"] را مورد واری قرار داد. اول انگیزه تحرک زنان، دختران، جوانان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی، دوم تجدیدنظر فردی - جمعی، سوم نبود و جایگاه گزینش مطابق با منفعت مردم و به دنبال آلت‌رئیس‌سازی قدرت‌مداران بین‌المللی. در باب اول و پیش‌تر آمده است که اعتراض میلیون‌ها انسان، برآیند سیاست‌های اقتصادی - سیاسی، نظامی است که نزدیک به نیم‌قرن در قبال سازندگان اصلی آن به کار گرفته است. این مدت نظام در گستره جورواجور زندگی را برای جوانان، زنان و دختران تنگ کرده و مجالی برای موجودیت بخورونمیر و تنفس درخور انسانی نگذاشته است. ناداری و بی‌خانمانی، فقر مزمن، بیکاری و اخراج و سرکوب بی‌وقفه زیر سیاست "مبارزه باحجاب"، جامعه را در دوراهی تعیین‌کننده قرار داده بود؛ تمکین و تقبل روند روبه وخامت زیستی، یا مقاومت و ایستادگی برای تغییر اوضاع دست‌ساز حاکمان ایران. همان سیاست و شرایطی که جامعه ایران در وقت‌های گوناگون و به خصوص در سال ۱۴۰۱ با آن روبه‌رو بوده است.

بدرستی کسی منکر این قضیه نیست که جامعه در شرایط بسیار حساس و پرتشنجی قرار گرفته بود. برافروختگی سیاسی در بخش‌های متفاوت و از جمله در میان بالائی‌ها بالا گرفت، و در ادامه پدیداری خود را در اعتراض به قتل فجیع «مهسا امینی» و در حرکت روسری سوزان دختران که فضای نزدیک به ۲۰۰ شهر و شهرستان را فراگرفته بود، به نمایش گذاشت. این بار دختران در بُعد بزرگتری میداندار مقابله با سردمداران رژیم شدند و علی‌رغم درازدستی ددمنشانه لباس شخصی‌ها و ارگان‌های سرکوبگر، نظام را به میدان تازه‌ی رودررو فراخواندند. برگزاری تجمعات هم‌زمان در نقاط مختلف شهرها، درگیری و آتش زدن بعضاً مراکز سرکوب، به‌موازات آن‌ها بگیر و ببندها و استفاده از سلاح‌های مدرن همچون ساچمه‌ای و نظایر این‌ها توسط نهادهای سرکوب، نه تنها از عزم دختران و زنان نکاسته است بلکه به توان اعتراضاتشان افزود و ورق جدیدی در جنبش‌های مبارزاتی آنان گشود. اگرچه سرانجام آن، مطابق با خواسته‌های بنیادین زنان و دختران و از جمله انتخاب و تحقق بزرگتر همچون حقوق برابر در قسمت‌های مختلف، یا پوشش کاملاً دلخواه نشد، منتها فراگیرنده دستاوردهای بزرگ بود که ثمره آن را به‌آسانی می‌شود در رفتار دختران در سطوح متفاوت جامعه [بعدها آن زمان] دید؛ اگر نگوئیم در اندازه کلان‌تر، به‌جرات می‌شود گفت که بافت

پوشش [بعضاً] دختران نسبت به قبل، به علاوه نافرمانی از قوانین سخت‌گیرانه نظام را [کما بیش] تغییر داده است؛ نافرمانی و جنب‌وجوش‌هایی که دنباله‌ و خواهی دهه‌های گذشته زنان و دختران، به مراحل بالاتر بوده است.

در مجاورت نگاه و جایگاه اعتراضی دختران و زنان در ایران، در بیرون ارزیابی‌های سیاسی و نتیجه‌گیری‌های تباین در این خصوص ظاهر شد که بطوریقین علت آن، به نگاه سیاسی فردی و جمعی، نسبت به اعتراضات کارگری، توده‌ای، و نیز به درک بنیانی از موقعیت و تحرک زنان و دختران به‌عنوان جنبش‌های دموکراتیک برمی‌گردد، اما جدا از آنچه، از سوی این یا آن گفته یا نوشته شده است [که بعضاً آنان، به میزان آن افزودند]، فقدان سازمان‌یافتگی جمعی و هدایتگران جهت‌دار [در میان اعتراضات سال ۱۴۰۱] بسیار مشهود بود. منتها باوجود چنین نواقص، سوءظن نیست که اعتراضات دختران، زنان و جوانان در آن سال، موانع پیشین را پشت سر گذاشت و از تکیه به بخش‌هایی از جناح‌های حاکمیت [بمانند اصلاح‌طلب، اعتدال و نظایر این‌ها] دور شد. به‌ناحق نبود که «مهدی افضلی عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب در همان زمان نوشت»: «مهسا امینی بهانه است، اصل نظام نشانه است».

به‌هرروی جامعه [جنبش زنان] مسیر خود را در مقیاس بالاتر بازیافت و مطمئناً بازگشت‌ناپذیر است. این ویژگی نگاه اجتماعی و جایگاه اعتراضی زنان و دختران در ایران است و به‌موازات آن در دنیای مجازی و در بیرون، با نظرات و با نتیجه‌گیری‌های سیاسی ناصحیح بعضاً تجمعات متفاوت رودررو بودیم مبنی بر اینکه «انقلاب» در دستور کار قرار گرفت و «کار رژیم این بار تمام است!» نظر یا نتیجه‌گیری سیاسی که به بار نه نشست و نظام باقی ماند.

اینکه چگونه جنبش‌های دموکراتیک و رادیکال، آن‌هم بدون هدایت کمونیستی منجر به تغییر و زیرورو کردن نظام خواهد شد؟ اینکه انقلاب از کدام مضامین طبقاتی برخوردار هست و ثمر خواهد داد و در خدمت به کدام طبقه است؟ اینکه چگونه اعتراضات و یا جنبش‌های دموکراتیک منتهی به انقلاب خواهد شد؟ در تودرتو فضا و در تلاطم سیاسی [آن زمان] گم‌شده بود.

به‌هرحال پاسخ پرسش‌های فوق و نیز پاک‌سازی نظرات بالا به عهده پشتیبانان آن است و احتیاج هست، جهت پیرایش جنبش‌های اعتراضی آتی، نگاه مناسب‌تر از آنچه گفته یا نوشته شده است، ارائه داده شود. برای اینکه هرگونه کج‌اندیشی یا ذوق‌زدگی سیاسی، عواقب ناگوار بجا خواهد گذاشت و نه‌تنها اثرگذار نیست، بلکه بی‌بهره از شفاف‌سازی جنبش بدون هدایت کمونیستی مطابق با منافع قربانیان سیستم امپریالیستی حاکم در جامعه است. بعلاوه به‌دوراز حقیقت نیست که به دلیل اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم در ایران، ما در آینده نه‌چندان دور با اعتراضات به‌طریقه سال ۱۴۰۱ روبرو خواهیم بود و اصرار بر آن است به‌منظور بارورتر کردن آن‌ها، دقت و مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت بدان‌ها شود. از این‌رو جدا از آنچه آمد و چه باید کرد، این است که درون‌مایه خواسته‌ها و خیابان‌های سال ۱۴۰۱ به‌حق و قابل دفاع هست، برای اینکه جناح‌های رقیب دولتی را دور زد و نظام را در مخصصه جدی‌تری قرارداد. بر این اساس اعتراضات زنان، دختران و جوانان حاوی درس‌ها و آموخته‌های بسیار زیادی است که قطعاً توجه عملی بدان‌ها، مسیر را هموارتر و سراسرتر، و در همان حال جاده نظام را تنگتر خواهد کرد. بناب‌دها دلیل این امر قابل‌اجرا و از درون ممکن، و نیز جایگاه بیرون [برخلاف ادعاهای این یا آن]، در حوزه حمایتی هست. بگذریم از اینکه سارقان سیاسی و اعتراضی بسیار زیادی از جمله «مسیح علی‌نژاد» و باقی‌ماندگان نظام پیشین به کمین نشستند و هر یک از آن‌ها، آن اعتراضات را از آن خود دانستند؛ بگذریم از اینکه بعضاً آنان در مقام و در منزلت دفاع از جنبش زنان و دختران به میدان آمدند و دعوی رهبری آن اعتراضات را داشتند! اما پیدا شد که چگونه جامعه اعتراضی درون، جدا از تعیین تکلیف سیاسی با وابستگان میدانی، با این بخش از حامیان بی‌مایه و دروغین زنان و دختران در بیرون فاصله

گرفت؛ بی‌مایگان و باقی‌ماندگانی که پیش‌تر و در دوره‌های متفاوت، همگام با نظام سرمایه‌داری، در سیه‌روزی دختران و زنان نقش بس‌عظیمی ایفا کردند.

خلاصه آن اعتراضات به عقب‌نشست به این دلیل که همانند وقت‌های گذشته، فاقد فرهنگ جمع‌گرایی [تماس و ارتباط تنگاتنگ با دیگر بخش‌های اعتراضی جامعه] و غیر سازمان‌یافته بود؛ به عقب‌نشست به این علت که نیروی محرک جنبش‌های کارگری، توده‌ای و اجتماعی، بی‌بهره از حضور و نیروی برانگیزنده بایسته بود [هست]. نظام جمهوری اسلامی هم در اثر چنین نقص و کمبود است که توانست فرصت‌های اعتراضی را در دوره‌های مختلف و به یمن دسته‌ها و ارگان‌های سازمان‌یافته بسوزاند و پس‌زند. پس بناب‌چنین تجربه‌ها و آموخته‌ها، زمانی جنبش‌های اعتراضی و بخصوص جنبش زنان و دیگر جنبش‌های دمکراتیک و رادیکال به ته‌خط خواهند رسید که بر سر آن‌ها، سازمان‌کمونیستی مطابق با منافع قربانیان نظام امپریالیستی قرار گیرد. به‌غیراز این، تسلسل اعتراضات به‌مراتب بالاتر [آن‌هم بدون دگرسانی اساسی]، یا مجبور سازی آلترناتیوهای خودی به جامعه خواهد بود.

۱۳ اگست ۲۰۲۴

۲۳ شهریور - سنبله - ۱۴۰۳